

گلرخ ایرایی خطاب به انجمن قلم آمریکا: می‌نویسیم حتا اگر آزادی‌مان به بند کشیده شود

از راهی دور به شما که برای گرامی‌داشت «آزادی نوشتن» در کنار هم ایستاده‌اید، سلام می‌گویم. از جهانی که در آن حقایق مجال آشکار شدن ندارند و شکستنِ اختناق و انقیاد، نه یک حق ساده، بلکه در رویارویی با حاکمانی که منافعشان با ترسی که بر زبان و عمل سایه می‌اندازد میسر می‌شود.

اینجا بی‌پروا نوشتن از رنج مردمانی که ستم را به پیکار برمی‌خیزند، مجرمانه است و «آنان که با قلم تباهی درد را به چشم جهانیان پدیدار می‌کنند»، در سکوت فرسوده می‌شوند و مجرماند و سزاوار محاکمه!

نوشتن از رنج مردم تحت ستم، از فقر و نابرابری و سرکوب و کشتار سیستماتیک - که همواره بخشی از زندگی‌مان بوده است - اگرچه بی‌دغدغه نیست، اما روزنه‌ی امیدی است بر انگیزه‌ی مبارزه و محرکی خواهد بود بر غلیانِ خشمِ مردمی که خفگی را زندگی می‌کنند و خروش خشم آگاهانه و هدفمندشان، به گواه تاریخ، تنها شیوه‌ی برچیدن ستم خواهد بود.

ارتجاع حاکم، آزادی اندیشه و جسارت بیان را بر نمی‌تابد، آنگاه که «قلم» بر چوبه‌های دارِ افراشته حمله می‌برد و از فقر و نابرابری روایت می‌کند و بازتابی می‌شود از سفره‌های خالی و قیام‌گرسنگان را نوید می‌دهد.

پس به شکستن قلم ایستادند. «قلم» که واقعیت تلخ موجود را به افق روشن فردا پیوند می‌زند و سکوت را که از سرکوب بی‌امان بیش از یک قرن سلطه‌ی «شیخ و شاه» به آن وادار می‌شویم، با آگاهی اجتماعی، آگاهی سیاسی و آگاهی طبقاتی که رهایی‌بخش محرومان و توده‌های تحت ستم است، در هم می‌شکند.

می‌نویسیم برای مقابله با حذف فیزیکی انسان، نادیده انگاشتنِ اندیشه و حذف باور و حقوق سیاسی و ایدئولوژیک و اجتماعی. برای مقابله با حذف ارزش‌ها و عقایدی که همواره وادار به طرد و گوشه‌نشینی بوده‌اند.

می‌نویسیم حتا اگر آزادی‌مان به بند کشیده شود. حتا اگر مورد تهدید و تحدید قرار بگیریم و وادار به تبعید و فدای جان شویم. ما این مبارزه را طی سالیان سلطه‌ی بی‌امان دیکتاتورها، زیر یوغ استثمار و ارتجاع، بر فراز کوه‌ها، از دل جنگل‌ها و در خیابان‌های شهرهامان، در خاورمیانه‌ی موردِ چپاولِ استعمار و موردِ تهاجم ارتجاع، به شعر و شعار، با جان و خون سرودیم و نقش‌آفرینی کردیم.

آنگاه که «قلم» نوشتن می‌آغازد تا از رنج مردم بگوید، نه در مرز می‌گنجد، نه در نژاد و ملیت، نه در جنس و رنگ. «قلم» فریاد رنجی مشترک می‌شود در برابر ستم، برای ما که در نبردی نابرابر پا به میدان گذاشتیم... «قلم» فریاد می‌شود بر سفره‌های بی‌نان.

فریاد می‌شود بر زبان مادرانِ اندوه، آنگاه که جنازه‌های آن سریداران رشید را بر ارابه‌های مرگ به سوی گورهای بی‌نشان اشک می‌ریزند.

فریاد می‌شود با کودکان فلسطین، آنگاه که خشم اشغال را در کوله‌بار آوارگی بر دوش کشیدند و رویاهایشان با خاکسترِ برجای‌مانده از درختان زیتون سوخته از کین دژخیم، دود شد و به هوا رفت.

فریاد می‌شود در آن آخرین نگاه ترسیده‌ی دختران میناب، در غبار و خون و گیس‌های آشفته‌ی ماسیده بر گردن‌های نحیف‌شان. فریاد می‌شود در دادخواهی ماهمنیر مولایی‌راد، مادر کیان پیرفلک، آنگاه که از میان بازی کودکانه‌ی کیان، فرزند کشته‌شده‌اش در اعتراضات ایذه، اندوهی بی‌پایان را به یاد می‌آورد و می‌نویسد ظلم پایدار نیست و ظالم به سزای عملش خواهد رسید. «قلم» فریاد می‌شود بر هر رنجی و بر هر ستمی در هر گوشه‌ی جهان و اگر جز این و به مصلحت بچرخد، رسالت خود را فرو گذاشته است.

گلرخ ایرایی خطاب به انجمن قلم آمریکا: می‌نویسیم حتا اگر آزادی‌مان به بند کشیده شود

و شما عزیزانم که قلب‌هاتان برای افشای حقیقت می‌تپد و دغدغه‌تان بی‌دغدغه نوشتن از واقعیت است، شما که «قلم» و مبارزه در راه برابری و رهایی را گرامی می‌دارید، تلاش آگاهانه و مسئولانه‌تان برای مردم تحت ستم که برای «حق» می‌جنگند، انعکاس صدای بی‌صدایان خواهد بود.

ما از خفگی رها خواهیم شد و می‌دانیم این جز در حرکتی مشترک میسر نخواهد بود. برای برقراری عدالت و برابری - تا رهایی بشر از اختناق و انقیاد حاکمان

گلرخ ایرایی
اردیبهشت ۱۴۰۵
بند زنان زندان اوین

گلرخ ایرایی یکی از دریافت‌کنندگان مشترک جایزه «آزادی نوشتن» انجمن قلم آمریکا (پن) و باربی است